

## خوشبختی و نماز از دیدگاه قرآن

در شماره پیش؛ ماهیت خوشبختی را که آرامش روح می باشد تحلیل نمودیم و ضعف ایسم‌هایی که داعیه سعادت بشر را در سر می‌پرورانند بعنوان مساك‌های «بی‌خدا» نشان دادیم و سرانجام خاطر نشان ساختیم که برای رفع بحران روحی انسانها و حل مسائل بفرنج جهانی و نیل بسعادت واقعی که عبارت از آرامش دل و روح است يك راه حل باقی میماند و آن پذیرش اسلام و راه حل‌های اسلامی است .

اینک ضمن طرح یکی از طعن‌های ما: تریالیستها به نماز اسلامی که انگیزه نگارش این مقاله میباشد بدنبالۀ این مقاله بعنوان یکی از راه‌حل‌های اسلامی میپردازیم . عناصر چپ‌گری ضمن حملات خود باید تئولوژی و احکام اسلامی از نماز چنین استقبال میکنند .

( . . . . ) و بخدائیکه اینهمه بدبختی و نکبت نصیب بشر

بیماری الیناسیون  
Alienation  
نموده سجده‌کنند و در برابر انواع بلیات زبان بشکر و ستایش او بکشایند .

این‌گونه نبردهای فکری و تبلیغی که از طرف این عناصر

بعمل آمد نه تنها انگیزه خالی شدن کلیساهای ضد دانش گردید بلکه بازار گرم مساجد دانش‌پرور را نیز از رونق انداخت و سبب شد که بشر در خود احساس بی‌نیازی

از خدا نماید و بجای «شکر و ستایش» خداوند و «سجده» او به معاشقه ایسم‌ها پرداخت و عوض استخدام دانش خود با استخدام آن در آمد . اما این بت اجتماعی یعنی سیانتیسم Scientisme دیری نپائید که سرنگون شد .

بشر بعد از جنگ جهانی دوم از قله رفیع غرور علیت پائین آمد پس از طی منحنی نزولی خود را با يك خلاء موحش مواجه دید . این تحلیل بدان معنی نیست که اسلام وما با علم و تکنیک مخالفیم! بلکه از بیماری سخن میگوئیم که به الیناسیون موسوم است و بشر معاصر گرفتار آن .

الیناسیون با یجاز سخن ، یعنی با «شخصیت» و «من» و «اصالت» خویش بیگانه شدن است و غرق و محو مفاهیم و معانی و پدیده‌ها و فنون‌های دیگران گردیدن است و بر شدت این بیماری تحلیل‌های نارسا و موهوم سارترها و راسل‌ها از جامعه و تمدن جدید افزوده است و انگیزه عصیان جوانان و پریشانی خانواده‌های غربی گردیده است .

چنانچه سارتر در یکی از کافه‌های پاریس اذعان نمود که اگرستانسیالیسم خاص وی چنان اثر زشت و انحطاط‌انگیزی در میان توده و بویژه جوانان بخشیده که بر درجه زاویه انحرافات افزوده است<sup>۲</sup> .

مبارزات بی‌امانی که ایسم‌های بی‌خدا با دین نمودند بشریت را به کناره‌پرنگاه سقوط نزدیک کردند و آرامش و نیک‌بختی را از او ستاندند و به بیماری‌های روانی دچارش کردند. در جوامع مترقی علیرغم تدابیر پزشکی که علم حقاً بر بسیاری از بیماریها فائق آمده است ؛ تأسیس آسایشگاههای روانی رو به‌تزايد گذارده و صدای منادیان سعادت بشر را در جو اجتماعات انسانی طنین افکن نموده است .

- ۱ - نه تنها بشر در دانش الینه میشود بلکه در دین نیز الینه میگردد چنانچه حلاج صوفی مقتول باین بیماری مبتلا بود و میگفت «انا الحق» .
- ۲ - اسلام‌شناسی . جناب آقای دکتر علی شریعتی .

اخیراً روزنامه لوموند چاپ پاریس بدرج نامه‌ای از سه تن دانشمندان شوروی مبادرت ورزیده است. این سه تن دانشمند که به «ساخاروف» و «تورچین» و «مددوف» موسومند نامه‌ای برای رهبران شوروی فرستادند. دانشمندان مزبور که اولی سازنده بمب هیدروژنی و عضو آکادمی علوم شوروی و دیگری فیزیکدان و سومی مورخ است جامعه شوروی را مورد تحلیل قرار داده‌اند و از بحران عمیق این کشور بشدت اظهار نگرانی نموده‌اند و راه‌حلی که برای بهشت کمونیسم پیشنهاد کرده‌اند: «دمکراسی کردن» کشور است.

در نامه تأکید شده که «الکلیسم بطور اسفناکی در کشور گسترش پیدا میکند و حتی در این اواخر صحبت از مواد مخدر نیز بمیان آمده است. در بسیاری از مناطق کشور موارد قتل و جنایت پیوسته رو با افزایش می‌رود و در بسیاری از مناطق علائم و آثار فساد بیش از پیش بچشم می‌خورد».

نه تنها در شوروی امروز که جای «خدا و دین» خالی است و مفاسد مذکور موج می‌زند بلکه خرافه علیرغم دانش و صنعت رواج یافته است و فطرت خدائی این ملت بسوی اوهاام؛ زاویه انحرافی پیش گرفته است. مردم شوروی در عصر تکنیک و تسخیر فضا از پرندۀ ضعیف و سیاه‌فامی چون کلاغ می‌ترسند، همچنانکه بشر جامعه باستانی می‌ترسید و آنرا مؤثر در سر نوشت و شوم میدانند همانگونه که در جامعه بدوی شوم میدانستند.

علم و تکنیک توانسته و میتواند پاسخگوی نیازهای مادی بشر باشد اما هرگز نخواهد توانست جای نیاز و احساس «خدا جوئی» بشر را پر کند یعنی پاسخگوی بعد چهارم روح بشر نیست. اینجا است که يك خلاء موحش احساس میشود و چون بشر راه بجائی نمیرد ناچار برای اینکه خلاء وحشت‌انگیز زندگیش را احساس نکند از خود می‌گریزد و بیگانه میشود؛ بالکل پناه می‌برد و بدامن مواد مخدر

میآویزد. هر روز با رنگی و مدی خود را سرگرم میکند.

ظهور بیتلیسم و هیبسم گریز است، گریز کسانی که در جامعه و زندگی‌شان همه چیز موج میزند و صاحب همه چیز هستند بجز «خدا» میگریزند تا باشد که از شدت فشار افکار پریشان و اضطراب انگیزی که در روحشان حلول کرده کاسته شود و آسایش و آرامش را بیابند. اما زهی خیال باطل، قرآن حکیم این صحنه را چه شورانگیز و عالی توصیف میکند.

وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَىٰ

یعنی هر کس از یاد من روی گردان شود در زندگی دنیا پریشان خاطر و نکون-

بخت میشود و در روز رستاخیز نایبنا محشور میگردد.

و این یاد خدا با نماز زنده میماند و با «ستایش‌ها» و «سجده‌های» مورد ایراد عناصر مذکور احیاء میشود.

بشریت نیازمند پرستش و شکر میباشد زیرا سلامت روح و آرامش دل او در گرو آن است. آیه شورانگیز قرآن این کیفیت روانی را چه عالی تحلیل مینماید آنجا که فرمود:

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ

نیک بختی فردی  
یا  
بعداول نماز

تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ

آنان که ایمان آوردند دل‌هایشان بیاد خدا آرامش یافت، آگاه باشید که دل‌ها تنها با یاد خدا آرامش مییابد.

اما برای اینکه چنین آرامشی را همدریف تخدیر اعصاب و تریاک جامعه ندانیم به‌صلای دکتر الکسیس کارل گوش کنیم. او در اثر زیبای خود موسوم به «نیایش» میگوید «نیایش را نباید با مرفین همدریف دانست زیرا نیایش در عین حال آرامش آور است

۱ - سوره طه آیه ۱۲۴.

۲ - سوره رعد آیه ۲۸.

بطور کامل و صحیحی در فعالیت‌های مغزی انسان یکنوع شکفتگی و انبساط باطنی و گاه قهرمانی و دلآوری را تحریک میکند و خصال خویش را با علامات بسیار مشخص و منحصر بفردی نشان میدهد .

پس خوشبختی مطلوب همه انسانها و معبود همه ایده‌ها « آرامش روح و دل » است و آبخور آن نه در « ایسم‌ها » بلکه در یاد خدا است . این یک بعد از نماز اسلامی است که آیه سوره رعد سعادت فردی را نوید داد و ما آنرا تحلیل نمودیم . اما نماز اسلامی رسالت مهمتری را بهیمنه دارد و آن نیکبختی جامعه انسانی است .

### اقِمِ الصَّلَاةَ اِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهٰی عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ

ولی پیش از ورود باین فراز و بررسی بعد دیگر نماز اسلامی مطالعه نمازدر ادیان دیگر ضرورت دارد .

برنامه مذهبی مسیحیان هفتگی است بدین معنی که روزهای یکشنبه بکیسا میروند و درخواندن اورادی باکشیش همراهی میکنند و گاهی نیز بعنوان یک برنامه مذهبی به آهنگ ارگی که نواخته میشود گوش میکنند . مراسم آنان محدود به کیسا است .

لکن در دین مزدیسنا برنامه وسیع‌تری منظور است . هرزرتشتی درسه وقت ؛ صبحگاهان و در نیمروز و شبانگاه موظف به نیایش است و این امر در خانه یا در آتشکده انجام میشود . پس از شستشوی دست و روی ؛ در برابر روشنائی که بمنزله قبله است قرار گرفته و به خواندن دعا میپردازند . اینک متن یکی از نمازهای زرتشتیان با خط اوستائی نشان داده میشود :

لذی ۶۰۶ . واذر ۶۰۶ . واذر ۶۰۶ . واذر ۶۰۶ .  
 لذی ۶۰۶ . لذی ۶۰۶ . لذی ۶۰۶ . لذی ۶۰۶ .  
 لذی ۶۰۶ . واذر ۶۰۶ . لذی ۶۰۶ .

اشم وهو . وهیستم . استی اوشتا . استی اون ستا . اهمائی . هیت . اشائی . وهینستائی .  
اشم وهو : بهترین راستی . راستی بهترین نیکی است (وهم) مایه سعادت است ، سعادت  
کسی راست که راست و خواستار بهترین راستی است .

این نیایش را با سوره حمد قیاس کنیم در آن از خداوند ذکری نیست ؛ و ذنیت  
محض است و فاقد عینیت و اثر اجتماعی ، زیرا نیایشی است يك بعدی که باید آنرا  
خواند ، رازگفت و نیاز برد ، باشد که دل در طوفان حوادث روزگار آرام گیرد نه  
تکبیر است با نگونه خاص و نهر کوع و سجودی .

اما در قرآن هنگامیکه از نماز یاد میشود با لفظ اقامه همراه میباشد و در  
تمام این کتاب آسمانی حتی یکبار نیز ترکیب «نماز خواندن» یافت نمیشود . در  
مجموعی خانمی مورد خطاب بود ، بوی سفارش میشد که با دین آشتی کند جواب داد  
« من بجای نماز شبها در بستر دعا میخوانم » .

او و امثالش از يك نکته غافلند که نماز اسلامی يك بیان سمبوليك Sympolique  
است و همین رمز یکی از علل اساسی عربی خواندن آنست و همچنین يك عمل بیانی  
و سمبوليك میباشد . مثلا نماز گزار هنگام گفتن تکبیرة الاحرام که خود سمبول احرام  
حج است با آن گونه خاص که دستها را بالا میآورد و به پشت سر اشاره میکنند رمز  
و معنایش این است که با ذکر الله اکبر هر گونه اندیشه غیر-  
**سمبوليك در نماز**  
خدائی را به پشت سرافکنده و ذهن خود را پایگاه انحصاری  
خداوند قرار میدهم .

همچنین است قیامش و رکوع و سجودش . اینها همه معنی دارد و رمز و نشانه-  
ایست ؛ پس با خوابیدن در بستر و چیزی را خواندن هدف منظور حاصل نمیشود  
زیرا در آن کیفیت دیگر ماعمل سمبوليك انجام نداده ایم . بیان نماز اسلامی نیز چنین  
است . سوره حمد سمبول تمام قرآن است و بلقب ام الكتاب مقتخر میباشد . برای  
روشن شدن این معنی ؛ آیه هفتم این سوره را تفسیر میکنیم .

## اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ

خداوندا ما را براه راست هدایت کن ، راه راستی که با نعمت یافتگان دادی .  
نخستین نکته جالب این است که بجای ضمیر مفرد ضمیر جمع آمده و این خود  
رمز اجتماعی بودن این دین است .

دوم آرزوی نیل به راه انعام یافتگان میباشد . قرآن حکیم خود این آیه را در  
سوره نساء آیه ۶۹ تفسیر مینماید .

وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ  
وَالصَّادِقِينَ وَ الشَّاهِدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا .

و در سوره های دیگر اندیشه ها و گفتار و کردار این طبقات را تحلیل مینماید.  
راه مستقیم طبقات چهارگانه فوق سمبول مجاهدات و هجرت های آن است . معنای  
این است که آنچه را آنان انجام دادند ، خداوند توفیق انجام آنرا بما ارزانی بدار  
و از آنچه دوری جستند ما را نیز حفظ بفرما ، زیرا خود آرزومندان این راهیم نه  
راه مغضوب شدگان و نه راه گمراهان . و اما آن گروهی که به تعبیر خود فقط به  
خواندن مشغولند و پس از آن به باده گساری میپردازند و قمار میبازند و موسیقی میشوند  
و همان راهی را طی میکنند که غضب شدگان و گمراهان میروند ؛ چگونه نماز این  
افراد قبول میشود . قرآن در این باره ضمن نقل خاطره ای میفرماید :

شرط قبولی عبادات تقوی است آدم دوپسر داشت بنام های هایل و قایل . در  
آهننگام که بقصد زیارت خانه خدا بسوی مکه حرکت نمود هایل را که پسر کوچک  
وی بود وصی خویش قرار داد و سفارشات لازم را باو نمود و اسم اعظم را بوی تعلیم  
داد . در غیاب آدم بین دو برادر اختلاف افتاد و قایل وصیت پدر را نپذیرفت و خود  
را لایق جانشینی و اجرای وصایای آدم دانست ، سرانجام هایل و قایل با یکدیگر  
پیمان بستند تا در میعادگاهی برای جلب رضایت خداوند قربان کنند ، قربانی هر یک  
قبول شد او وصی پدر گردد .

هاییل که گله‌دار بود شتری سرخ‌موی وزیبا که او را بسیار دوست میداشت به قربانگاه آورد و قابیل دسته‌گندم رنگ آلودی راهمراه برد .  
 قربانی هاییل که علیرغم نفس خود توانسته بود از محبوب‌ترین ارزشهای زندگی خود بگذرد قبول شد . قابیل خشمناك اعتراض نمود و او را تهدید به قتل کرد .  
 هاییل گفت .

انَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ<sup>۱</sup>

خداوند میپذیرد بشرط تقوی

قربانی که خود يك عمل بیانی و سمبوايك است معنایش این است که وسوسه‌های نفس را برای رضای خدا در قربانگاه موسیقی که مایه حظ خود میداند و شراب که لذیذش میندازد رقص و قمار که تفریح سالم‌وی میباشد، قربانی نماید هر کس توانست نفس اماره را مهار کند و آزادی خود را بدست آورد متقی است و عباداتش قبول .

اینست راه طبقات چهارگانه که برای خشنودی خالق از عمه چیز گذشتند و پای بر سر همه چیز نهادند همچنین اینست معنی اقامه صلوة .

اقامه‌گران نماز پاسداران و سربازان فداکار کلیه آرمانهای اسلامی و آیات قرآنی هستند . اقامه‌گران نماز چون ابوذر و سلمان سبکبالانند و آرامش روح دارند . و از یمن دولت نماز ؛ سلامت و تعادل روحی دارند و اینه نیستند . قرآن حکیم در توصیف اینگونه افراد چنین میفرماید .

لِكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَيْكُمْ<sup>۲</sup>

یعنی تا بر آنچه از دست شمارفته افسوس نخورید و بآنچه بشما رسیده شادی نکنید .

۱ - سوره مائده آیه ۲۷ .

۲ - الحديد آیه ۲۳ . در اصول کافی از امام سجاد (ع) روایتی نقل شده که در تفسیر این آیه فرموده‌اند زهد واقعی اسلام مضمون این آیه است .



و سپس میفرماید: **إِلَّا الْمُصَلِّينَ** یعنی فقط نمازگزاران حقیقی اینگونه‌اند و دارای سلامت و تعادل روحی میباشند و از بیماری الینه رسته‌اند و نیک‌بختان واقعی هستند آنها بوسیله نماز از فحشاء و منکر دوری جسته‌اند و از مجتمع این گروه جامعه خوشبخت اسلامی تحقق مییابد.

پس بشر در تمام ادوار زندگی و تاریخی به «شکر و ستایش» و «سجده» در پیشگاه خالق نیازمند بوده است؛ خوشبختی او در گرو نماز است و بدبختی او هنگامی آغاز میشود که از خدا و یاد او و آیاتش دوری گزیند **والسلام علیکم ورحمت‌الله و برکاته**.



من معتقدم که دین محمد یگانه دینی است که با تمام ادوار زندگی بشری مناسب می‌باشد و قابلیت آنرا دارد که هر نسلی را بخود جلب کند.

( برناردشاو )